مسافران آسمانی

نام شهید : جعفر حاجی بیکاه
نام پدر: عباس
تاریخ تولد : ۴۶/۱/۱
تاریخ شهادت: ۶۲/۸/۵

بلند قامت صبر ،ای شکوه بی مانند
به دست بوسی تو ، اهل عشق می آیند
به بی کرانگیت رشك می برد هامون
به استقامت تو غبطه می خورد الوند

شهید جعفر حاجی در اولین روز ازسال ۱۳٤٦ در روستای بیکاه که زادگاه بزرگمردانی چون او بود ، به دنیا آمد .تحصیلات ابتدایی خود را به اتمام رساند و وارد مقطع راهنمایی شد . در همین هنگام همراه با نیروهای بسیج،راهی جبهه های حق علیه باطل شد و در پاییز سال ۱۳٦۲ در حالیکه که نوجوانی ۱۲ ساله بود در عملیات والفجر ٤ ، در منطقه ی عملیاتی قلاویزان به شهادت رسید.

نام شهید : علی امیریان جغین
نام پدر : حسن
تاریخ تولد : ۴۵/۶/۱
تاریخ شهادت : ۶۴/۱۱/۲۲

علی امیریان جغین نوجوانی که عظمت روحش، وسعت آسمان را به بازی می گرفت، در اولین روز ازشهریور ماه سال ۱۳٤٥ درشهرستان رودان به دنیا آمد . او بهشت رستن رابه بهشت پیوستن گره زد ، واقتدا کرده به حسین (ع) در تاریخ ٦٤/۱۱/۲۲ بر اثر اصابت ترکش به سرش در عملیات والفجر ۸ در کناره ی اروند خروشانی که از دجله وفرات می جوشد ، سربه آستان الله سپرد .نام ویادش جاودانه باد.

فرازی از وصیت نامه :

پدر جان اگر شهادت نصیبم شد هرگز ناراحت نباش وبرایم گریه مکن... اگریه یاد من افتادی علی اصغر شش ماهه را به یاد بیاور وبرای اوگریه کن ، که ارزش بیشتری دارد.

بلندی های بحران

هوا که روشن شد، ما خبر تصرف ارتفاعات تنگ کورک را به محمود شهبازی بی سیم زدیم. او هم خبر این فتح را به رده های بالا مخابره کرد. از آن طرف خط به او گفتند: اشتباه می کنید، امکان ندارد بچه های شما به تنگ کورک رسیده باشند این غیرممکن است. اما بعد از اصرار شدید محمود، آنها هلی کوپتر هوانیروز را برای بررسی وضعیت منطقه به آنجا فرستادند و وقتی عناصر شناسایی، از سنگر دیده بانی با دوربین خر گوشی، ما را دیدند، تازه به مسئولان حاضر در قرارگاه ثابت شد که رزمنده های دلیر ما توانسته اند از آن مسیر صعب العبور بگذرند و این ارتفاعات را تسخیر کنند. خودمان هم باورمان نمی شد که آن شب را با پیروزی پشت سر گذاشته ایم و بعثی ها را کشته و فراری داده ایم. همه شاد و مسرور از این نبرد پیروزمندانه همدیگر را در آغوش می کشیدیم که ناگهان عده ای از کماندوهای دشمن توانستند در قسمت راست تنگه مشخصاً در سمت تیغه اول به مواضع ما رخنه کنند و بچه ها را از نقاطی که خیال می کردند پاکسازی شده، با آتش تیربار و تفنگ های دوربین دارشان هدف بگیرند. از همان ساعات اولیه صبح، درگیری ما با دشمن در تیغه اول شروع شد تمام آتش های مستقیم تانک ها و آتش منحنی توپخانه دشمن در

دوباره به پرتاب نارنجك متوسل شدند. ما هم جوابشان را با زبان نارنجك می دادیم. زیرنورزردرنگ منورها، تیربارچی شجاع مان با تمرکز و خونسردی عجیبی نشسته بود و کماندوهای دشمن را که سعی داشتند بالا بیایند درو می کرد

منطقه متمرکز شده بود و ما به تجربه می دانستیم که این آتش تهیه سنگین دشمن، مقدمه ای است برای اجرای یک رشته پاتک گسترده. از بالای ارتفاعات به دشت مقابل سرک کشیدیم و متوجه شدیم که ضربت شب قبل بچه های ما چه ولوله ای در بین بعثی ها راه انداخته و همه این نشانه ها، حاکی از آن بود که، بچه ها احتمالاً به هدف اصلی حمله، یعنی به هم زدن تمرکز دشمن بر روی شیاکوه و کشاندن آنها به تنگ کورک دست پیدا کرده اند و ما که از منظور واقعی این حمله مطلع بودیم بسیار خوشحال شدیم. بعد از آن که فهمیدیم جناح راست ما در تنگه قاسم آباد خالی مانده درصدد برآمدیم تا ۲٤ساعت دیگر هم آنجا دوام آوریم. تا بتوانیم با مقاومت، یگان های بیشتری از ارتش بعثی را به آن منطقه بکشانیم. توفیق ما در اجرای این برنامه، مساوی بود با برداشته شدن فشار دشمن از روی نیروهای محاصره شده خودی در منطقه عملیاتی شیاکوه.

خوشبختانه در همین اثنا، خبر آوردند بعد از درگیری که منجر به فرار و عقب نشینی دشمن شد زاغه مهمات به جا مانده از عراقی ها را پیدا کرده اند. آنجا پر بود از صندوق گلوله و نارنجک دستی، گفتم: به این می گویند وفور نعمت. با آشنایی که از وضعیت ارتفاعات و مسیر داشتیم، با یک محاسبه سرانگشتی، تخمین زدیم که عراقی ها حدود سه ربع ساعت وقت لازم دارند تا نخستین فوج کماندوهایشان را به زیر پای نیروهای ما برسانند. بلافاصله گفتیم عده ای بروند و مهمات داخل آن زاغه عراقی را بیاورند و بین بچه ها توزیع کنند. حتی گفتیم: صرفه جویی نکنید، اینجا دریایی از مهمات خوابیده، مال خودشان را بزنید توی سر خودشان ما بالای ارتفاعات بودیم و کماندوهای عربده کش دشمن، در سراشیبی پشت تخت سنگ ها. در شروع درگیری نارنجک ها را از آن بالا پرتاب نمی کردیم. بلکه بعد از کشیدن حلقه ضامن، آنها را روی شیب، قل می دادیم طرفشان. به فاصله چشم برهم زدنی صدای هلهله و فریادهای گوشخراش عاش صدام آنها تبدیل شد به ضجه و زوزه. مثل گله ای شغال تیرخورده، مدام زوزه می کشیدند، عده ای کشته شدند و تعدادی زخمی لای صخره ها افتادند و گروهی از بیم جان، سر و ته کردند و زدند به چاک. از آنجا که هیچ آذوقه ای به همراه نداشتیم و دو روز بود که چیزی نخورده بودیم بعضی از بچه ها ضعف کرده بودند. اما چند تا از رزمنده ها از انبار تدارکات مقداری کشمش با خود آورده بودند که بین همه تقسیم کردند و بعد از خوردن آنها کمی جان گرفتیم. هنوز سلام نمازمان را نداده بودیم که دشمن پاتک دوم خود را آغاز کرد. این بار به صورت همزمان اجرای آتش شدید تانک ها از دشت مقابل و تیراندازی تیربارهای دشمن از روی تیغه اول شروع شد. در دفع پاتک دوم دشمن، علاوه بر شهادت علی سماوات، تعداد دیگری از بچه ها هم مجروح شدند، حوالی عصر، با مقاومت شدید بچه ها، نیروهای دشمن ضمن دادن تلفات زیاد، از لابه لای صخره ها عقب کشیدند. تیغه سوم، عملاً تا غروب دست بچه های ما بود. دیگر آسمان منطقه به رنگ غروب درآمده بود که موج سوم پاتک دشمن بر روی تیغه های دوم و سوم تنگ کورک شروع شد.

منتها این بار دشمن، از راهکارهای مختلف سعی می کرد روی ارتفاعات نفوذ کند. دیگر همه می جنگیدند حتی مجروحین. بچه ها دیگر سنگر به سنگر و صخره به صخره می دویدند و از بالای آنها نارنجک می انداختند و شلیک می کردند، تا کماندوها خیال کنند بالای سرشان نیروی ایرانی زیادی مستقر شده در حالی که نیروی قادر به رزم ما فقط ۲۰ نفر بود.

دشمن به کرات با شعله افکن به سمت ما آتش می کرد. آنجا بود که امداد الهی را به چشم دیدیم، هرچند دقیقه یکبار، تندباد شدیدی از بالای ارتفاع، رو به سمت پائین می وزید و آن شعله های جهنمی را به سمت خود بعثی ها پس می زد. کماندوها که دیدند از سلاح مهیب شان هم کاری ساخته نیست، دوباره به پرتاب نارنجک متوسل شدند.

ما هم جوابشان را با زبان نارنجک می دادیم. زیر نور زردرنگ منورها، تیربارچی شجاع مان با تمرکز و خونسردی عجیبی نشسته بود و کماندوهای دشمن را که سعی داشتند بالا بیایند درو می کرد.

در بحبوحه همین درگیری ها بودیم که برادر شهبازی از طریق بی سیم به ما گفت: هرچه سریع تر بچه ها را به عقب برگردانید. مابا تعجب گفتیم: ما همین جا که هستیم می مانیم. فقط شما برایمان نیروی کمکی بفرستید.

شهبازی که سعی می کرد مرا آرام کند جواب داد: وقتی برگشتی، به تو می گویم، فقط حسین جان! به حرفم گوش کن، شما حتماً باید... و اینجا بود که بی سیم خراب شد و ارتباطمان را قطع کرد. وقتی خبر را به برادران همرزم دادم همه ناراضی بودند اما بالاخره تصمیم به برگشت گرفتیم.

شب هنگام هر کدام یک زخمی را به دوش کشیدیم و راه افتادیم. به محض ورود به روستا، دیدیم بروجردی، صیادشیرازی و رحیم صفوی به استقبالمان آمده اند. با شور و شعف و هیجان عجیبی تک به تک بچه ها را در آغوش می گرفتند، به سر و صورت خونی و خاک آلودشان بوسه می زدند و می گفتند: ماشاالله احسنت بر شما... شما سربازان امام حسین(ع)هستید. شما اسلام را سربلند کردید و...

فعالیتهای منافقین خلق در عراق از زبان آزادگان (۳)

صبح یکی از روزهای اسارت ، در حالیکه مانند هر روز برای مدت حدود سه ساعت در محوطه اردوگاه شماره ۱۲ واقع در شهر تکریت در حال قدم زدن بودیم ، ناگهان چند درجه دار بعثی عراق که از نوع لباس آنها قابل تشخیص بودند ، وارد اردوگاه شده و با ورود آنها ، نگهبانان اردوگاه با عجله اسرا را در وسط محوطه جمع نمودند .

معمولاً هنگامی که بعثی های غیر نگهبان اردوگاه، وارد می شدند ، خبر مهمی اعلام می شد و یا اینکه اتفاق مهمی در حال رخ دادن بود . پس از مقدمه چینی و انجام تشریفات لازم ، اعلام شد که فردای آن روز رئیس سازمان منافقین خلق ایران به همراه هیئتی بلند پایه ! بمنظورسخنرانی و جذب نیرو از بین اسرا وارد اردوگاه خواهند شد .

با اعلام این خبر، همهمه ای بین اسرا ایجاد شده بود . اسرا با شنیدن این خبر بسیار عصبانی و با یاد و ذکر خدا قلب های خود را آرام و تسکین می دادند . تجمع بیش از سه نفر همانند گذشته از سوی عراقیها با تاکید بیشتر ممنوع اعلام شد . اسرا با قدم زدن در محوطه به بحث و تبادل نظر پیرامون اتفاقی که قرار بود فردای آن روز رخ دهد ، پرداخته و نظرات متفاوتی می دادند .

نتیجه بحث و نظرها به سه محور ختم شد . دسته ای از اسرا با این دیدگاه که با ورود فریب کارانه به داخل سازمان ، در فرصت مناسب سران سازمان منافقین را به قتل خواهند رساند ، این را یک فرصت خدادادی قلمداد می نمودند و لذا در صدد ثبت نام و جذب با این هدف شدند .

دسته دیگر که این اقدام را به دلایل منطقی غیر ممکن می دانستند ، با در آوردن تعدادی از نبشی های فنس های اردوگاه ، حمله مستقیم و قتل منافقین در اردوگاه را در دستور کار خود قرار دادند و دسته آخر که عناصر آن متشکل از برخی افراد مورد دار و یا به دنبال آسایش و راحتی با هدف رهایی از وضعیت بسیار مشقت بار اسارت دشمن بعثی بودند ، پیوستن به منافقین را دنبال می نمودند .

دسته اول به گروه دوم پیوسته و از تصمیم خود صرف نظر نمودند و با این وصف ، دسته های دوم و سوم بر تصمیم خود باقی ماندند . شب در آسایشگاه ها تعدادی از برادران به روشنگری پرداخته و اسرا را از اقدام نوع سوم یعنی پیوستن به سازمان منافقین خلق به هر دلیل برحذر داشتند .

فردا صبح فرا رسید . نگهبانان اردوگاه در حال تردد و رفت و آمد بودند . گویی از تصمیم دسته اول اسرا مبنی بر ورود خسارت به منافقین مطلع شده بودند ! .

ساعت حدود ۹ صبح چند خودرو سواری به سرنشینی اعضاء منافقین از جمله مریم رجوی و مهدی ابریشم چی (به اصطلاح فرمانده ارشد نظامی) همراه با یک کامیون پر از آذوقه و مواد خوراکی وارد اردوگاه شدند اما با کمال تعجب دیدیم که از ورود به محوطه خودداری نموده و از پشت فنس ها و بوسیله بلندگو حدود نیم ساعت مثلاً سخنرانی نمودند .

با توجه به موارد پیش گفته امکان حمله اسرا به منافقین میسر نگردید و آنها پس از حدود دو ساعت از اردوگاه خارج شدند .

آزاده و جانباز نادر ترکمانی

آگهی ابلاغ اجرائیه

بدین وسیله به شرکت شن پی بندر به شماره ثبت ٦۷٤٥-۸۳/۹/۷ثبت شرکت های بندرعباس وآقای زلفعلی خالقی فرزند حکمعلی ش ش ٤٥۹ صادره از بناب هر دو ساکن شهرک الهیه کوچه ریحانه یک پلاک ۲٥ ابلاغ می شود آقای هرمز کریمی تزرجی بوکالت کرم پیشدار به شماره وکالت ۱۱۷۸-۸۸/۱۱/٥به استناد سه فقره چک به شماره ۰۳٦۸٥٤-۸۳۳۸۹۸-۳٦۸٥۳ بانک تجارت شعبه خلیج فارس برای وصول مبلغ ۲۰٤/۰۰۰/۰۰۰ریال بابت اصل طلب ومبلغ ۱۰/۰۰۲/۰۰۰ریال نیم عشراجرائی علیه شما مبادرت به صدور اجرائیه نموده وپرونده کلاسه ۸۸-۳۹۲۹درشعبه اجرائی این اداره ودرجریان اقدام است لذا چون طبق گزارش مامور اجراً این اداره در آدرس تعیین شده در اجرائیه شناخته نشده اید وبستانکار نیز نمی تواند شمارا معرفی نماید وبرای شعبه اجراء این اداره هم آدرس شما معلوم نیست به استناد تقاضای بستانکار وماده ۱۸ اصلاحی آئین نامه اجراء مفاد اجرائیه فوق الذکر یک نوبت در یکی از روزنامه های کثیرالانتشار محل آگهی می شود . چنانچه ظرف مدت ده روز از تاریخ انتشار این آگهی که روز رسمی ابلاغ اجرائیه محسوب می گرددداقدام به پرد اخت بدهی خود ننمایدعملیات اجرائی برابرمقررات علیه شما تعقیب وبه جزء این آگهی و آگهی مزایده،درصورت بازداشت اموال دیگری صادر نخواهدشد. ۸۲۷۹م /الف تاریخ انتشار : ۸۸/۱۲/٥

علی محمودی رئیس ثبت اسنادواملاک بندرعباس

آگهی ابلاغ اجرائیه

بدین وسیله به شرکت تعاونی کیمیا طراحان جنوب به شماره ثبت ٥۷٤۰ آقای عباس آران بعنوان مدیر عامل وخانم فاطمه زارعی بعنوان نائب رئیس هیات مدیره مقیم بندرعباس بلوار صیادان جنوب بازار ماهی فروشان ووراث مرحوم عباس رئیسی آهوان فرزند مرحوم احمد به شماره شناسنامه ۱٥۲۸۳ صادره از آبادان که وراث مرحوم عبارتند از محمد ثریا وسمیرا ونازخاتون همگی فرزندان مرحوم شهرت رئیسی آهوان وخانم آمنه اکبری فرزند موسی همسر مرحوم ابلاغ میگردد بانک ملی شعبه چهار راه فاطمیه بندرعباس به استناد سندرهنی شماره ۱۰۷۱۱۷ مورخ ۸۳/۱۰/۲۸ برای وصول مبلغ ۲۰۱٥۷۲۱۰۰ ریال بابت اصل طلب به انضمام کلیه خسارت قانونی وارده تا روز وصول ومبلغ ۱۰/۰۷۸/٦۰٥ ریال نیم عشراجرائی بدهی شما بابت پرونده اجرائی کلاسه ۲۷۹٤-۸٥برعلیه شما مبادرت به صدور اجرائیه نموده وپرونده فوق در شعبه اجرائی این اداره تشکیل ودر جریان اقدام است . لذا چون طبق گزارش مامور اجراء این اداره در آدرس تعیین شده در اجرائیه شناخته نشده اید وبستانکار نیز نمی تواند شمارا معرفی نماید وبرای شعبه اجراء این اداره هم آدرس شما معلوم نیست به استناد تقاضای بستانکار وماده ۱۸ آئین نامه اجراء مفاد فوق الذکر یک نوبت در یکی از روزنامه های کثیرالانتشار محلی آگهی می شود . چنانچه ظرف مدت ده روز از تاریخ انتشار این آگهی که روز ابلاغ اجرائیه محسوب می گرداقدام به پرد اخت بدهی خود ننمائید طبق تقاضای بستانکار این شعبه نسبت به فروش مورد رهن که عبارت است از ششدانگ یکبابخانه دارای پلاک ۲۳۹۰ فرعی از ۳٥۷۱ اصلی واقع در بخش یک بندرعباس ملکی مرحوم عباس رئیسی آهوان از طریق مزایده اقدام خواهدنمود. به غیر از این آگهی و آگهی مزایده، آگهی دیگری منتشر نخواهد شد.۸۲۸۱م/الف تاریخ انتشار : ۸۸/۱۲/٥

علی محمودی رئیس ثبت اسنادواملاک بندرعباس

دعوتنامه تشکیل مجمع عمومی عادی (نوبت دوم)

مجمع عمومی عادی شرکت تعاونی عمومی عادی (نوبت دوم)

مجمع عمومی عادی شرکت تعاونی مسکن مهر عدالت میناب در ساعت ۱٥ روز دوشنبه مورخ ۸۸/۱۲/۲٤ در محل پروژه مذکور واقع در شهرک المهدی بعد از مخابرات برگزار می گردد. از کلیه داوطلبان دعوت می شود جهت اتخاذ تصمیم نسبت به موضوعات ذیل در این جلسه حضور بهم رسانند ضمنا داوطلبان عضویت در بازرسی موظفند تا ۷ روز پس از صدور دعوتنامه تشکیل مجمع عمومی عادی مدارک مربوطه را به هیئت مدیره تحویل نمایند.

دستور جلسه :

۱- گزارش هیئت مدیره در مورد ارزیابی آورده های نقدی اعضاء
۲- تصویب صورتهای مالی
۳- انتخاب بازرسی یا بازرسان اصلی وعلی البدل طبق اساسنامه تصویب
۴- گزارش هیئت مدیره بازرسی در خصوص عملکرد شرکت

هیئت مدیره شرکت تعاونی مهر عدالت میناب

۱/م

آگهی مزایده

اجرای احکام حقوقی دادگستری بندرعباس بموجب پرونده - ۷٤٥/۱/۸۸/اجرائی/شوراموال مشروحه ذیل ۱ -ساعت دیواری۲ - میزنهارخوری شش نفره ۳- کولرگازی ۱۸ هزار او جنرال ٤-چرخ خیاطی مارشال بادینام ٥ - مبل راحتی ۷ نفره٦-گل میز شیشه ای با پایه ۷-میزجلو مبل شیشه ای ۸-سبدپلا ستیکی۹-قاب عکس دیواری۱۰-پتوی مسافرتی ۱۱-بالشت۱۲-جعبه آچار که فعلاً نزد امین نگهداری می شودمتعلق به محکوم علیه یحیی بنی هاشمی درقبال بدهی به محکوم له خانم نصرت خیری که به مبلغ ۷/۱٥۰/۰۰۰ریال ارزیابی وکارشناسی شده است با شرایط زیر از طریق مزایده کتبی بفروش می رسد .

۱ - فروش نقدی است حداکثر مهلت پرداخت بهاء سه روز می باشد .۲- کلیه هزینه های مربوط به معامله از هر قبیل و از هر جهت به عهده خریدار است . ۳ - پیشنهاد دهندگان باید قبلاً ۱۰ ٪ مبلغ ارزیابی شده را بصورت سپرده نقدی را به حساب شماره ۲۱۷۱۲۹٥٤۰۹۰۰۸ سیبانزد بانک ملی شعبه دادگستری تودیع وقبض سپرده را به این اجرا تحویل نمایند . ٤ - اجرای احکام در رد یا قبول پیشنهادات مختار است .

٥ - مزایده درساعت ۱۲ ظهر روز چهارشنبه تاریخ ۸۸/۱۲/۱۹بصورت حضوری بعمل می آید و برنده کسی است که بالا ترین قیمت را پیشنهاد نماید .

٦ - درصورتیکه برنده تا سه روز پس از جلسه مزایده و با انقضای مهلت از پرداخت بهاء مورد مزایده خودداری نماید مسئول کسر احتمالی قیمت وخساراتی که از تجدید مزایده حاصل شود خواهد بود که بدواً از سپرده او استیفای می شود وسپرده تا تعیین کسر قیمت وخسارات وارده مسترد نخواهد شده و متقاضیان شرکت درمزایده برای کسب اطلاع بیشتر می توانند به اجرای احکام حقوقی دادگستری بندرعباس مراجعه نمایند .

مسئول دفتر اجرای احکام دادگستری بندرعباس-اجراء شوراهای حل اختلاف

۱/۹۷

سازمان پارکها و فضای سبز

حفظ فضای سبز
حفظ طراوت شهر ،
حفظ سلامت شهر

سازمان پارکها
و فضای سبز شهرداری بندرعباس

رنگ ارکیده

فروش ویژه نوروزی در اسفند ۸۸

با چشمانی کاملا بسته انتخاب کنید نوروز امسال را نیز با رنگ ارکیده آغاز کنید

عرضه مستقیم انواع رنگهای دریایی،صنعتی ، آپوکسی،ساختمانی، ضد رنگ و...
تامین کننده کلیه نیازمندیهای اداری، شرکتها ، شناورها و...
به قیمت کارخانه ، تحویل در بندرعباس

آدرس : بندرعباس - سه راه جهانبار، مقابل مخابرات امام خمینی (ره) شماره تماس : ۰۹۱۷۹۸٤۲۸٤۸ -۰۹۱۷۱٦۷۸۳٦۱

ا/س

سیستم حساب خلیج فارس
انجام امور حسابداری

خیاط کلاسیک
دوخت البسه مردانه

موبایل برتر